

مسعود اسکویی همان مجری با سابقه رادیو ورزش است که الان دیگر بعد از ۴۲ سال فعالیت در زمینه ورزش، صدای گرمش برای همه ورزش دوستان آشناست. حدود سال ۵۰، تلویزیون تازه زده بود توی کار برنامه‌های متنوع ورزشی و بخش مستقلی برای ورزش درست شده بود. آن موقع‌ها مثل امروز نبود که هر ورزشی برای خودش یک گزارشگر مخصوص داشته باشد؛ مسعود اسکویی بود و گزارشگری انواع مسابقات؛ از تنیس و والیبال گرفته تارالی و پرش با اسب. به خاطر همین او اولین گزارشگر حرفه‌ای خیلی از رشته‌های ورزشی است. اسکویی در حال حاضر مدیر روابط عمومی رادیو ورزش است؛ با این حال هنوز هم دست از اجرا در رادیو بر نداشته. او عاشق رادیوست و اگر قرار باشد روزی بسین رادیو و تلویزیون انتخاب کند، اولی را ترجیح می‌دهد. نشستییم پای صحبت‌های این مجری پیشکسوت که وارد دهه هشتم زندگی‌اش شده است.

مجری اخبار بانک بودم!

عاطفه پورمحمد

● آقای اسکویی چندساله هستیید؟

من متولد ۲۳ خرداد سال ۱۳۱۸ هستم.

● خودتان فکر می‌کنید نسبت به سن و سالتان جوان مانده‌اید؟

بله. خب ورزش آدم را جوان نگه می‌دارد.

● ورزش کردن یا گزارشگری ورزشی؟

الان که ورزش نمی‌کنم. بالاخره سنی از من گذشته است و شرایط جسمانی اجازه ورزش سنگین را به من نمی‌دهد. اما در دوران جوانی والیبال‌بست بودم.

● والیبال حرفه‌ای را دنبال می‌کردید؟

نه، به ورزش حرفه‌ای نرسیدم چون وارد کار شدم و روی کار تمرکز کردم.

● چطور وارد این کار شدید؟

شروع کار من ۲ مرحله داشت؛ یک مرحله ورود به تلویزیون و بازنشستگی و مرحله بعد، بازگشت به رادیو و شروع دوباره کارم با آن.

● از آن اوایل کارتان بگویید.

سال ۴۳ خدمت تمام شد و کارمند بانک شدم. ۲ سال و خورده‌ای به کار در بانک مشغول بودم که تلویزیون اطلاعیه داد گوینده پلاتو می‌خواهد. من هم رفتم و تست دادم و از بین ۳۰۰ نفر انتخاب شدم.

● قبلاً در هیچ زمینه‌ای مجری‌گری نکرده بودید؟

من گویندگی را خیلی دوست داشتم. حتی وقتی در بانک بودم، اخبار روزنامه‌ها را مثل گوینده‌ها، برای همکاران می‌خواندم. به خاطر همین علاقه، قبل از اینکه وارد تلویزیون شوم و حتی قبل از اطلاعیه تلویزیون، به مدت یک سال دوره هنرهای دراماتیک و فن بیان را گذرانده بودم.

● آن وقت کی وارد مرحله دوم کارتان شدید؟

تا سال ۱۳۶۰ من در تلویزیون بودم اما به اشتباه بازنشسته‌ام کردند. بعد از بازنشستگی، به دعوت دوستم آقای شیشه‌گران به رادیو آمدم و ماندگار شدم. از این بابت همیشه ممنون ایشان هستم.

● الان برنامه‌های ورزشی رادیو و تلویزیون پر شده است از مجری‌ها و گزارشگرهای جوان. به نظر شما اینها موفق هستند؟

امروز شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی خیلی زیاد شده‌اند؛ بالطبع کار هم زیاد شده. تعداد زیادی جوان هم سمت کارهای ورزشی در صدا و سیما آمده‌اند که بیشترشان هم تحصیل کرده هستند اما به نظر من آنهايي موفق‌ترند که مطالعه بیشتری دارند و آگاه‌ترند.

● پیشرفت کردن در حرفه شما امروز آسان‌تر است یا زمانی که شما شروع به کار کردید؟

به نظر من در هر زمان، هر کسی باید براساس لیاقت خودش پیش برود. جوان‌ها نباید فکر کنند که مثلاً چون اسکویی هست، دیگر به حضور من نیاز نیست. هر کسی قابلیت‌های خودش را دارد. هر کسی می‌تواند کارهای منحصر به فرد انجام دهد. ما استادی داشتیم به اسم استاد پیمان که می‌گفت برای اینکه پیشرفت کنید، باید خودتان باشید.

قرار نیست جوان‌های ما مثل کسی شوند.

● پول چقدر در پیشرفت شما تأثیر داشته؟

من عاشق کارم هستم. از اول هم به خاطر علاقه‌ام وارد این کار شدم.

خموده و تنبل هستند و ورزش هیچ جایی در زندگی آنها ندارد. من در رادیو شعاری دارم و واقعاً به این شعار اعتقاد دارم که «هر روز حداقل ۱۰ دقیقه ورزش کنید!». اما جوان‌های امروز به این موضوع اهمیت نمی‌دهند و به مسائل دیگری به غیر از ورزش افتخار می‌کنند.

● یعنی این قدر ناامیدکننده هستند؟

خیر. ما جوان‌های موفق خیلی داریم؛ جوان‌های پر تلاشی که در میدان‌های ورزشی مدال می‌گیرند و جوان‌های مخترع و تیزهوش. در کل جوان موفق و فعال خیلی داریم. اما خودتان می‌بینید، عده‌ای هم در مقابل اینها، به راه‌های دیگری کشیده می‌شوند که امیدوارم آنها هم راه درست را پیدا کنند.

● فرزندان خودتان چقدر اهل ورزش هستند؟

من ۲ پسر دارم؛ مهدی و علی. هر دوی آنها با ورزش میانه خوبی دارند. مهدی در حال حاضر قهرمان کیک بوکسینگ جهان است و در کانادا به نیروهای پلیس تعلیم می‌دهد.

● شما آنها را اهل ورزش بار آورده‌اید؟

من سعی کردم فرزندانم را از همان دوران کودکی با ورزش‌های مختلف آشنا کنم. وقتی خیلی کوچک بودند آنها را شنا می‌بردم. یادم است وقتی اولین بار علی را داخل آب انداختم، آن قدر کوچک بود که همه فکر می‌کردند نمی‌تواند شنا کند و می‌خواستند نجاتش بدهند. من فرزندانم را از دوران کودکی با همه نوع ورزشی آشنا کردم؛ فوتبال، اسکی، ورزش‌های رزمی، والیبال و هر ورزشی که شما فکرش را بکنید.

● غیر از این بحث ورزش، ما جوان‌های امروزی را چطور می‌بینید؟ شما نسبت به جوان‌های زمان ما آزادتر هستید. ما این همه آزادی نداشتیم.

● منظورتان از آزادی چیست؟

خب جوان‌های امروز امکانات بیشتری در اختیار دارند. در اصل الان دوره، جوان سالاری است. جوان آزادی عمل بیشتری دارد. خیلی‌ها هم از این امکان استفاده می‌کنند و موفق هستند. احترام به بزرگترها هم امروز کم‌رنگ شده است. دیگر مثل گذشته به پیشکسوت‌ها احترام گذاشته نمی‌شود. این مساله خیلی اهمیت دارد. من خودم هنوز به بزرگترها هم احترام می‌گذارم.

● گویندگان امروزی می‌توانند مثل قدیمی‌ها ماندگار شوند؟ مثل شما که در زمینه ورزش و گزارشگری ماندگار شده‌اید.

خب چیزی که امروز در میان گویندگان و مجریان رادیویی به چشم می‌خورد این است که صداها خیلی شبیه هم هستند و حتماً باید به اسم معرفی شوند تا شنونده بشناسدشان. این طور نیست که مثل گذشته مجری‌ها با صدایشان شناخته شوند.

پول هیچ نقشی در ادامه مسیر من نداشت. اگر من ۴۲ سال پیش شاگرد مغازه هم می‌شدم الان چندین مغازه از خودم داشتم و شاید خیلی پولدار می‌شدم. اما کاری را که دوست داشتم انجام دادم.

● کار گویندگی چطور؟ چقدر با گذشته فرق کرده است؟

کار گویندگان، امروز خیلی سخت‌تر از گذشته است. امروز مردم در جریان ریز به ریز مسائل و حتی حاشیه‌های ورزشی هستند و متوجه کوچک‌ترین اشتباه مجری یا گزارشگر ورزشی می‌شوند. خود من کافی است اسم یک بازیکن را اشتباه بگویم، فوراً تماس‌ها شروع می‌شود که؛ اسکویی اشتباه کردی. امروز جوان‌ها برای اینکه موفق شوند، باید زیاد مطالعه داشته و دست‌کم به زبان انگلیسی مسلط باشند.

● پس کار گویندگان جوان خیلی سخت شده؛ درست است؟

خب در مقابل، امروز امکانات زیادی برای جوان‌ها وجود دارد. رسانه‌های مختلفی در اختیارشان قرار دارد؛ اینترنت هست، ماهواره هست. جوان‌ها خیلی راحت می‌توانند با استفاده از اینها اطلاعات کاملی کسب کنند.

● در زمان شما، برای به‌روز بودن چه کار می‌کردند؟

در آن زمان ما را می‌فرستادند خارج از کشور تا دوره ببینیم، زبان یاد بگیریم اما امروز جوان می‌نشیند پشت کامپیوترش و زبان یاد می‌گیرد. حتی لازم نیست به بعضی کلاس‌ها برود.

● شما خودتان دوره تکمیلی هم دیده‌اید؟

بله من و محمد بزرگ‌نیا (کارگردان فیلم «کشتی آنجلیکا») را با هم به آلمان فرستادند تا دوره ببینیم. من دوره مجری‌گری و گزارشگری دیدم؛ او هم دوره کارگردانی می‌دید.

● کلا اهل جوانی کردن بودید؟

ما آن موقع خیلی امکانات نداشتیم. چندان رسانه‌ای در اختیارمان نبود؛ تلویزیون که نبود و رادیو را هم با نظارت پدرم فقط در حد اخبار گوش کردن استفاده می‌کردم. اما تا دلتان بخواهد ورزش را دوست داشتیم و ورزش می‌کردم. البته زمان ما برای ورزش کردن هم امکانات چندانی وجود نداشت. اما من در دبیرستان البرز درس می‌خواندم. مدرسه البرز در آن زمان امکانات ورزشی خوبی داشت و من هم از آن امکانات خیلی استفاده می‌کردم. شاید باور نکنید که من همه نوع ورزشی را تجربه کرده‌ام. پدر من باستانی کار بود. من حتی با میل هم ورزش کرده‌ام.

● به نظرتان جوان‌های امروز هم اهل ورزش کردن هستند؟

خب امروز زمین تا آسمان فرق کرده است؛ شرایط خیلی بهتر شده. شما سر هر کوچه‌ای

یک باشگاه ورزشی می‌بینید. اما با

اینکه امکانات این قدر فراهم

است، باز هم جوان‌هایی را

می‌بینیم که

